**مکتبی شیرازی**

**تجربه کار، نصرت**

در حدود بیست سال پیش در شیراز از خیابان قصر الدشت می‏گذشتم به محوطه‏ای‏ رسیدم.راهنمایم گفت اینجا محل مکتب‏خانه مکتبی شیرازی است.اندیشه‏ام بدان پیوست که‏ مطالعه‏ای کوتاه در آثار مکتبی کنم ولی توفیق نبود.

اینک سالها از آن تاریخ می‏گذرد،در جزو یاداشتهای پراکنده کاغذپاره‏ای دیدم‏ در این موضوع،همان را به معرض مطالعهء خوانندگان محترم مجلهء یغما می‏گذارم و امیدوارم‏ ادب‏پژوهان آن را تکمیل کنند تا احوال این شاعر خوش‏آهنگ عاشق‏پیشه وارسته بیشتر معلوم شود؛آنچه بنده اطلاع دارم کتابی دربارهء کلمات قصار مولانا علی بن ابیطالب علیه- السلام دارد که مرحوم گوهر کرمانی به طبع رسانده،آن نسخه در دسترس بنده نیست. دیگر از تألیفات مکتبی کتاب لیلی و مجنون است که به اقتفای نظامی و امیر خسرو دهلوی به نظم درآورده و به این مطلب،هم در مقدمه کتاب و هم در آخر کتاب تصریح‏ فرموده،چنانکه در مقدمه در ستایش نظامی می‏گوید:

از گفتن خمسه‏ام که نامی است‏ مقصود ستایش نظامی است‏ آن خوش سخنی که وقت تأویل‏ پیغمبر عقل راست جبریل‏ من کان هنری همای دیدم‏ چون سایه به بال او پریدم‏ نظمم بود از پی تمامی‏ دیباچهء خمسه نظامی

و در آخر کتاب گوید:

هرچند که خسرو و نظامی‏ دادند دو خانه را تمامی‏ این در که به رشته کرده‏ام نو از گنج نظامی است و خسرو پختم ز گدایی کرمشان‏ دیگی ز تراشهء قلمشان‏ تا هرکه به سفره‏ام کند دست‏ داند که چه چاشنی در او هست

درمقدمه کتاب به تقلید مخزن الاسرار نظامی در وصف شعر چند بیت دارد که پرمغز و شیرین است:

شعر است لطیفهء آلهی‏ مضمون سفیدی و سیاهی‏ از نغمه درین بلند قانون‏ خارج شود آنچه نیست موزون‏ در خود چو فرو رود سخن‏ساز زان سوی سپهرش آید آواز از تیشه فکر جان خراشد جان ابدی در او تراشد... دریای سخن پرآب باید کز بحر تهی گهر نیاید هر نقطه که معنیی درش نیست‏ باشد صدفی که گوهرش نیست

لیلی و مجنون مکتبی مطابق داستانی که نظامی و امیر خسرو پرداخته‏اند نیست

تغییراتی دارد که باید روایت دیگری آن را دانست مطابقه و تطبیق این روایات با اهل‏ تحقیق است.

در لیلی و مجنون مکتبی ابن اسلام را درندگان پاره می‏کنند و این دو عاشق و معشوق بهم‏ می‏رسند ولی بودن لیلی و مجنون در مکتب‏خانه و داستان نوفل و ابن سلام مطابقت با روایت نظامی و امیر خسرو دارد.

اشعار مکتبی بسیار لطیف و ظریف و خوش‏آهنگ و زیباست،نباید گفت که از لیلی‏ و مجنون نظامی بهتر است و لی به نظر من ساده‏تر و لطیفتر و به دریافت نزدیکتر است. وقتی مجنون متولد می‏شود اخترشناس طالع او را می‏بیند و چنین می‏گوید:

گفت این خلف خلیفه‏زاده‏ ماهی شود از فلک زیاده‏ روزیکه ز دانش و فنونش‏ صندوق کتب شود درونش‏ عشق آتشی از دلش فروزد و آنجمله کتاب‏ها بسوزد از آدمیان رمیده گردد با دیو و دد آرمیده گردد

مادر لیلی دختر را نصیحت می‏کند.و او را با زبانی مادرانه از عشق و آشفتگی و بدنامی سخت بیم می‏دهد و به مجازات پدر تهدید می‏کند،زیرا چنانکه می‏دانیم در قبادیل‏ عرب رسم بوده که دختران را زنده‏به‏گور می‏کرده‏اند و این کنایات در کلام مادر لیلی‏ آشکار است:

این عشق و هوس ببر ز یادت‏ کاین آتش دل دهد ببادت‏ ترسم بتو باد دست یابد و آب خضرت شکست یابد آلوده شوی بهر زبانی... در پرده به بیندت جهانی‏ آگاه شود پدر ز حالت‏ درخاک نهان کند جمالت

و در پاسخی که لیلی به مادر می‏دهد سوزی نهانی است:

لیلی چو شنید پند مادر افروخت چو شمع دل پرآذر آهی زد و از میان جان گفت‏ کاوخ چه کنم نمی‏توان گفت‏ ای مادر مهربان بیندیش‏ این سوخته را مسوز ازین بیش‏ نتوان ز فسون عشق رستن‏ بر مرده چه سود زخم بستن‏ آتش بنشانم ار توانی‏ نی آنکه بر آتشم نشانی‏ زین بحر برآر چون حبابم‏ نی آنکه فرو بری در آبم

در توصیف کوه،مکتبی هنر تصورات خود را با زیباترین کلمات و معانی بیان می‏کند آنجا که می‏گوید:

بر قلهء او فلک حصاری‏ بر دامن او زمین غباری‏ با رفعت او سپهر دوار چون دایره‏ای میان پرگار سنگی که ز بامش اوفتادی‏ با چرخ ز جنبش ایستادی‏ ابری که از او چو خیمه جستی‏ بر صخره طناب سیل بستی‏ بر پشت وی آسمان نمودی‏ چون بر شتری جل کبودی زیبائی دیگری که در کتاب مکتبی است این است که گاهی در ضمن مثنوی خود غزل‏ نقل می‏کند و این تغننی است ادبی که در کتاب نظامی نیست چنانکه در مکاتبه بین عاشق و معشوق در نامهء لیلی غزلی است هفت بیتی به ردیف«گذشتم»به این مطلع:

در عشق تو از جهان گذشتم‏ وز جمله جهانیان گذشتم‏ بی روی تو بر در لحد پای‏ بنهادم و از جهان گذشتم

و در نامهء مجنون به لیلی نیز غزلی است شش بیتی باین مطلع:

ای گشته فراق من قرینت‏ نالم ز تو یا ز هم‏نشینت

تفنن دیگری که شاعر بکار برده این است که عنوان هر مطلب نیز مصراعی است بوزن‏ مثنوی کتاب مثلا:

عنوان نعت پیغامبر این است:«این سخن نعت پیغمبر باشد» و عنوان ستایش حضرت علی علیه السلام:«مدحت حیدر صفدر باشد» و چون پدر لیلی دختر را از مکتب بیرون می‏آورد:«دور افتادن لیلی ز کتاب» و عنوان بیابان‏گردی مجنون:«کوه بگرفتن مجنون خراب» و از این قبیل است عناوین دیگر.

چنانکه اشاره شد،مکتبی اهل فارس بود و کتاب خود را در 795 قبل از طلوع صفویه‏ به نظم درآورده چنانکه فرموده است:

چون مکتبی این کتاب بگشود تاریخ«کتاب مکتبی»بود ابیات که در حساب پیوست‏ آمد دو هزار و یکصد و شست‏ این گنج گهر که گشت پیدا از خطهء فارس شد هویدا این نسخه فسانهء جهان باد مقبول دل جهانیان باد

درین مقالهء کوتاه ابیاتی که از مکتبی انتخاب شده ازین روست که خوانندگان توجه‏ فرمایند که شاعر طبعی روان و ذوقی لطیف داشته و کتاب او دارای مقام ارجمندی است که از رقت و لطف تمام بهره‏مند است و ارزش آن را دارد که اهل ادب و شعر مطالعه فرمایند و به‏ روان پاک این مکتب‏دار عاشق‏پیشه درود فرستند.در تنظیم این مقاله مختصر از کتاب لیلی‏ و مجنون مکتبی که در اواخر شهر رجب سنهء 1346 هجری قمری در بمبئی طبع شده‏ استفاده کرده‏ام.

لندن 18 جنوری 1977